

۱۴۰۲ / ۳۱ / ۱۴

# تصمیم گرفته

## خودم باشم

اجازه ره رنگی ات توسط دیگران آسیب ببیند

کیم سوہادر

مهرداد یوسفی



عنوان و نام پدیدآور	کیم، سو-هیون - Kim, Soo-Hyun :
مشخصات نشر	تصمیم گرفتم خودم باشم؛ اجازه نده زندگی ات توسط دیگران آسیب بیند / کیم سوھیون؛ مهرداد یوسفی؛ ویراستار نغمه علی قلی.
مشخصات ظاهری	تهران: تیموری، ۱۴۰۲
شابک	۹۷۸-۰-۶۵-۶۶۲۹-۶۰۰-۲۱/۵×۱۴/۵ ص:
وضعیت فهرستنويسي	فیبا
یادداشت	کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "I Decided to Live as Me" به فارسی ترجمه شده است.
یادداشت	کتاب حاضر در سالهای مختلف تحت عنوانی مختلف توسط ناشران مختلف منتشر شده است.
عنوان دیگر	اجازه نده زندگی ات توسط دیگران آسیب بیند.
موضوع	خودشناسی - Self-perception
موضوع	راه و رسم زندگی -- جنبه‌های روانشناسی Conduct of life -- Psychological aspects
موضوع	رش (روان‌شناسی) - Attitude (Psychology)
شناسنامه افزوده	یو...، مهرداد، ۱۳۶۵ -، مترجم
ردہ بندي کنگره	L F ۶۷۸
ردہ بندي دیوبی	۱۵۵۷۱:
کتابشناسی ملی	۱۵۵۲-۶۵۲:



نام کتاب : تصمیم گرفتم خودم باشم  
 نویسنده : کیم سوھیون  
 مترجم : مهرداد یوسفی  
 ویراستار : نغمه علی قلی  
 طراح جلد : کتابیون تیموری  
 نوبت چاپ : دوم  
 سال چاپ : ۱۴۰۴  
 شمارگان : ۱۰۰۰ جلد  
 چاپخانه : چاپ نقش نیزار  
 قیمت : ۱۷۸۰۰۰ تومان  
 شابک : ۹۷۸-۰-۶۵-۶۶۲۹-۶۰۰-

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان آزادی، جنب ایستگاه مترو،  
 کوچه جنتی، پلاک ۲۶، واحد ۵ - تلفن: ۰۶۵۶۷۷۷۰ - دورنما: ۶۶۵۶۷۷۷۱



## فهرست

۷	کیم سوهیون
۹	پیشگفتار
۱۱	بخش اول : با عزت نفس زندگی کن : بد
۱۳	با کسانی که با تو مهربان نیستند، مربان نباش
۱۵	نگران بدیخت بودن نباش
۱۷	به خودت افتخار کن
۱۹	اجازه نده زندگی ات زیر پای رهگذران له شود
۲۰	اعداد را از زندگی ات کنار بگذار
۲۲	تحت تأثیر گفته های دیگران قرار نگیر
۲۴	به کسی توهین نکن
۲۶	دست از بهانه تراشی بردار
۲۷	یادت باشد هیچ کس زندگی کاملی ندارد
۲۹	به عنوان یک انسان معمولی کاملاً خوشبخت باش
۳۱	اجازه نده دیگران تو را قضاوت کنند
۳۲	آن قدر فروتنی به خرج نده که خودت را تحریر کنی
۳۴	از حق خودت برای دریافت احترام در زندگی دفاع کن

۳۹	بخش دوم: برای اینکه خودتان باشید
۴۱	عزت نفست را تقویت کن
۴۴	خودت باش
۴۷	سؤالات مربوط به زندگی را به تعویق بینداز
۴۸	بدیهیات را زیر سوال ببر
۵۰	برای برآورده کردن انتظارات دیگران زندگی نکن
۵۲	جز خودت هیچ کس دیگری نباش
۵۴	تسلیم پاسخ‌های کلیشه‌ای نشو
۵۶	قدرت تخصیمت را پرورش بده
۵۸	برای حوت تصمیم بگیر
۵۹	سلیقه‌ی سخی پل خودت داشته باش
۶۰	با خود واقعی ات رود نشو
۶۲	در جایی بمان که بتوانی بد حشی
۶۵	بخش سوم: در دام اضطراب اس رنه وید
۶۷	تردیدهای زندگی را تحمل کن
۶۹	یاد بگیر با مشکلات کنار بیایی
۷۰	فکر نکن که مشکلات فقط مال توست
۷۲	برای آینده‌ات یک سناریوی بد ننویس
۷۳	به دنبال راه حل واقعی باش
۷۶	خیلی حساس نباش
۷۸	غصه‌هایت را احساس کن
۷۹	اگر احساس خستگی می‌کنی، آن را به زبان بیاور
۸۱	چون اضطراب داری، کورکورانه خودت را به آب و آتش نزن
۸۳	بخش چهارم: در کنار دیگران زندگی کودن
۸۵	حتی کوچکترین ادب و احترام را به دیگران نشان بده
۸۵	به دنبال درک شدن توسط همه نباش
۸۷	از مرزهای دیگران محافظت کن

یک فردگرای روش فکر باشید ..... ۸۸
برای پیروزی رقابت نکن ..... ۹۱
صرف آبایی اینکه دیگران از تو متنفر نباشند، خوب نباش ..... ۹۴
برای چیزهایی که شرم آور نیستند، شرمنده نباش ..... ۹۵
سعی نکن با همه کنار بیایی ..... ۹۷
یک خراش ساده را از آسیب جدی تشخیص بده ..... ۹۸
در رابطه‌ی فعلی ات بهترین باش ..... ۱۰۰
با دیدن چراغ سبز پیش برو ..... ۱۰۱
در هر صورت، ارتباطهایت را حفظ کن ..... ۱۰۲
<b>بخش پنجم: برای یک زندگی بهتر ..... ۱۰۵</b>
گاهی اوقات جو های جدید بساز ..... ۱۰۷
خودت را زیر سؤال نبر ..... ۱۰۸
از چیزی که لیاقت‌ش را داری، دست داش ..... ۱۱۰
اگر مجبوری، تحمل کن ..... ۱۱۳
نگران و مضطرب نباش ..... ۱۱۵
درست جنگیدن را بگیر ..... ۱۱۵
پایه و اساس امید و رؤیاها را پیدا کن ..... ۱۱۸
مشتاقانه کاری برای این دنیا بکن ..... ۱۲۰
کسی باش که نمی‌توان اورا با پول مقایسه کرد ..... ۱۲۱
در بازی گرسنگی شرکت نکن ..... ۱۲۳
یک بزرگ‌سال سرگردان باش ..... ۱۲۴
<b>بخش ششم: در راه یک زندگی خوب و معنادار ..... ۱۲۷</b>
شادی را هدف زندگی ات قرار نده ..... ۱۲۹
زندگی را ساده بگیر ..... ۱۳۰
در زندگی بیشتر ریسک کن ..... ۱۳۲
از احساس انزوا و تنهایی دوری کن ..... ۱۳۳

۱۳۶ .....	به تنها‌ی خوشبخت باش
۱۳۷ .....	به دستاوردهایت فکر کن
۱۳۹ .....	با گذشته خدا حافظی کن
۱۴۰ .....	در زندگی جایی برای اشتباهات کنار بگذار
۱۴۲ .....	با این حال باید خودت را درک کنی
۱۴۳ .....	به خوشبختی خودت اهمیت بده
۱۴۴ .....	نقص‌هایت را دوست داشته باش
۱۴۵ .....	در باره شیوه‌ی درست زندگی پرس و جو کن
۱۴۷ .....	یک انسان بالغ باش
۱۴۹ .....	حرف آخر ..

## کیم سوهیون

همه‌ی ما روزی آرزوی ابرقهرمان بودن را در سر داشتیم؛ اما حالا که به بزرگسالی رسیده‌ایم، قبل از هر چیزی می‌خواهیم خودمان را نجات دهیم. ما به بزرگسالان مرددی تبدیل شده‌ایم که در یک چاله‌ی سرگردانی افتاده‌ایم و شغلی نه‌چندان قابل توجه و مهارت‌های نه‌چندان خاصی داریم. آیا فقط ونمود می‌کنیم که بزرگ شده‌ایم؟

این کتاب حاصل پیامی از آرامش و دلگرمی به انسان‌های معمولی زمانه‌ی ماست. هیچ کس جواب نهای مطرح شده در زندگی رانمی‌داند. بدون تقليید از دیگران یا حسادت به آن‌ها، این کتاب به مامی گوید که چگونه می‌توانیم خودمان را بشناسیم و دوست بداریم. با کلامی پریغز رسانانی ریشه‌گرفته از آرامش و دلگرمی، چهارمین کتاب کیم سوهیون اکنون در برابر شماست.

به سلامتی تمام زندگی‌های معمولی ریبای مان!

من هرگز در یک آکادمی هنر تحصیل نکرده‌ام، اما طراحی را دوست داشتم، پس در کالج در رشته‌ی طراحی تحصیل کردم. بین رشته‌های سوم انسانی و طراحی در رفت و آمد بوده‌ام و حالا، هم طراحی می‌کنم و هم می‌نویسم و تا نون سه کتاب را منتشر کرده‌ام.

## هدف

یک آدم معمولی باید

از مسادت گردن به دیگران دست بردارد،

زیرا مرد دیگران را تحمل کند،

و خرد واقعی اش باشد.

## پیشگفتار

فکرش را که می‌کنم، من همیشه درباره‌ی "دلایل" کنجکاو بودم.

حتی وقتی دانش آموز بودم و معلم‌مان از من می‌خواست کاری را انجام دهم، همیشه درباره‌ی علت‌ش سؤال می‌کردم؟ همه فکر می‌کردند که من آدم سرگشی هستم، اما این سؤال را می‌پرسید چون واقعاً می‌خواستم دلیلش را بدانم. برایم خیلی سخت بود که سؤال نکنم و جوابی نگیرم

وقتی پا به بزرگسالی اذانه‌م، ناگهان احساس پوچی و درماندگی کردم. یک دوره‌ی مبهم با علائمی مبهم و یاد نداشتم، مارت‌های مبهم؛ آدم سردرگمی بودم که چیزی نداشتم و هیچ آینده‌ای نداشتم.

چه چیزی مرا این قدر سردرگم می‌کند؟

آن موقع فکر می‌کردم کار اشتباهی کرده‌ام. آیا رشه‌هی اشتباهی را انتخاب کرده بودم؟ آیا در دوران دانشگاه به قدر کافی تلاش نکردم؟ آیا در شرفة‌ام به‌اندازه‌ی کافی استقامت نداشتم؟ اما هر قدر در این باره فکر می‌کردم، به نظرم نمی‌رید که اشتباهی از جانب من صورت گرفته باشد. مطمئناً من هم به سهم خودم اشتباه‌های راه‌شدن‌ها و خطاهایی داشته‌ام، اما آیا آزمون و خطاهایا یک بخش عادی از زندگی نیستند؟

همان‌طور که درباره‌ی دلایل حرف‌های معلم کنجکاو بودم، می‌خواستم بدانم کسی که هیچ اشتباهی از او صورت نگرفته، چرا باید این قدر احساس پوچی کند.

آن موقع سعی کردم کتاب‌های زیادی بخوانم، نه برای سرگرمی، بلکه به این دلیل که واقعاً می‌خواستم بدانم چرا احساس بی‌اهمیتی، کافی نبودن و پوچی می‌کنم.

پس از آنکه به دنبال پاسخ‌ها رفتم، نتیجه‌ی نهایی که به آن دست یافتم این بود که حتی اگر دنیا برای وجودم ارزش قائل نباشد، من به خودم احترام می‌گذارم و همین کافیست تا در زندگی با اطمینان پیش بروم و خودم باشم.

این کتاب هم دلیل احساس پوچی من و نیز پاسخ به تمام چیزهایی است که به من احساس پوچی می‌دادند.

وقتی این کتاب را می‌نویسم، دوست دارم حتی شده برای اندک زمانی به خوانندگانم احساس آرامش و دلگرمی بدهم؛ اما چیزی که واقعاً می‌خواهم این است که این احساس کمی بیشتر با آن‌ها بماند.

می‌خواهم به کسی مثل خودم که در این دنیای بی‌تفاوت خودش را بی‌دلیل سرزنش می‌کند، بگوییم که ما هیچ اشتباہی نکرده‌ایم.

اشکالی ندارد که با اطمینان پیش برویم و خودمان باشیم.